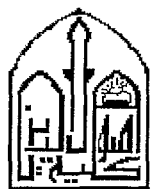


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده اصول دین قم

گروه علوم قرآن و حدیث  
پژوهش نامه کارشناسی ارشد

# آیات عتاب آمیز خداوند به پیامبر (ص)

دانشجو: عارفه معمار باشی

استاد راهنما: جناب دکتر عبدالرضازاهدی

استاد مشاور: جناب دکتر مهدی مهریزی

انجمن هیات‌های تخصصی پژوهش  
تعمیر و ارتقاء

۱۳۸۸ / ۴ / ۱۰

بهمن ۱۳۸۷

۱۲۶۰۴۵

تقدیم به

ساحت مقدس پیامبر

عظیم الشان اسلام

حضرت ختمی مرتبت

محمد مصطفی

(صلی الله علیه و آله و سلم).

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله»،  
حمد و سپاس خدایی را که با هدایتگری خود بر ما منت نهاد نهاد.

با یاد و خاطرة علامه بزرگوار سید مرتضی عسکری؛

و با تشکر از استاد گرامی جناب دکتر عبد الرضا زاهدی که در روند این تحقیق مرا از راهنمایی های خود بهره مند ساختند، و با تشکر و قدردانی از زحمات استاد مشاور جناب دکتر مهدی مهریزی؛  
و کلیه اساتیدی که تا این مرحله از تحصیل ما را از محضر خود مستفیض نموده اند.  
همچنین بر خود لازم می دانم تا از خانواده مهربان خود که با حمایت و تشویق هایشان بنده را در انجام این کار یاری نموده اند تشکر و قدردانی نمایم.

## فهرست مطالب

| صفحه           | عنوان | چکیده                     |
|----------------|-------|---------------------------|
| ۱              | ..... | مقدمه                     |
| <b>بخش اول</b> |       |                           |
| ۵              | ..... | کلیات                     |
| ۶              | ..... | معرفی مسأله               |
| ۶              | ..... | بیان اهمیت مسأله          |
| ۸              | ..... | سؤالهای مسأله             |
| ۸              | ..... | فرضیه                     |
| ۸              | ..... | روش تحقیق                 |
| ۱۱             | ..... | مبانی تحقیق               |
| ۱۱             | ..... | انواع خطاب                |
| ۱۷             | ..... | جمع بندی خطابهها          |
| ۱۷             | ..... | صناعات ادبی               |
| ۱۷             | ..... | نهی                       |
| ۱۸             | ..... | مدح در قالب ذم            |
| ۱۹             | ..... | کنایه و تعریض             |
| ۲۱             | ..... | جایگاه قرآن               |
| ۲۴             | ..... | جایگاه پیامبر (ص) در قرآن |
| ۳۲             | ..... | عصمت                      |
| ۳۲             | ..... | عصمت در لغت               |
| ۳۲             | ..... | عصمت در اصطلاح            |
| ۳۶             | ..... | عصمت و اختیار             |
| ۳۸             | ..... | آراء فرق مسلمین           |
| ۳۸             | ..... | شیعه                      |

|    |       |                   |
|----|-------|-------------------|
| ۴۱ | ..... | عدم سهو النبی (ص) |
| ۴۷ | ..... | معتزله            |
| ۴۷ | ..... | اشاعره            |
| ۵۱ | ..... | حشویه و خوارج     |
| ۵۲ | ..... | دلایل عصمت        |
| ۵۳ | ..... | دلایل عقلی        |
| ۵۴ | ..... | دلایل نقلی        |
| ۵۶ | ..... | ترک اولی          |

## بخش دوم ..... ۵۹

### بررسی آیات عتاب آمیز ..... ۶۰

|     |       |                                |
|-----|-------|--------------------------------|
| ۶۰  | ..... | ۱- عفو الهی                    |
| ۷۲  | ..... | ۲- ذنب و استغفار               |
| ۸۲  | ..... | ۲-۱- استغفار و طرفداری از خائن |
| ۹۴  | ..... | ۲-۲- استغفار از گناه           |
| ۹۸  | ..... | ۲-۳- استغفار و استعاذه         |
| ۱۰۲ | ..... | ۳- فریب و تعجب                 |
| ۱۰۵ | ..... | ۴- مخفی کردن و ترس از خدا      |
| ۱۱۱ | ..... | ترس رسول خدا (ص)               |
| ۱۱۴ | ..... | ۵- تحریم حلال خدا              |
| ۱۲۸ | ..... | ۶- شرک و یکتا پرستی            |
| ۱۳۴ | ..... | ۷- افتراء بر خدا               |
| ۱۴۱ | ..... | ۸- شک کردن و تکذیب آیات        |
| ۱۵۰ | ..... | ۹- شرک و خواندن غیر خدا        |
| ۱۵۲ | ..... | ۱۰- تاثیر شیطان                |
| ۱۵۹ | ..... | ۱۱- پیروی از هواهای دیگران     |

### کلام آخر ..... ۱۷۶

|     |       |            |
|-----|-------|------------|
| ۱۷۹ | ..... | پیشنهاد    |
| ۱۸۰ | ..... | فهرست آیات |
| ۱۹۴ | ..... | منابع      |

## چکیده

از جمله خطابهایی که در قرآن کریم وجود دارد، خطابهایی است که از ظاهرشان عتاب خداوند نسبت به پیامبر (ص) برداشت می شود. این در حالی است که غالب فرق اسلامی قائل به وجوب عصمت پیامبر (ص) می باشند، به خصوص امامیه که حتی پیامبر (ص) را از سهو و نسیان نیز معصوم می دانند.

اینگونه خطابهها حدود ۸۰ آیه هستند و در این مجال به ۴۳ مورد از آنها اشاره شده است که مهمترین آیات را شامل می شوند و امکان ارجاع دیگر آیات بر آنها وجود دارد. نوشتار حاضر سعی دارد با بررسی آیات مورد نظر، برای تعارضی که ظاهر این آیات با مقوله عصمت نبی اکرم (ص) دارند پاسخی بیابد تا شاید مراد حقیقی خداوند روشن گردد. نگارنده علاوه بر منابع تفسیری و روایی شیعه و اهل سنت، از آراء ادبی، کلامی و گاه تاریخی مدد جسته است.

نتیجه ای که مفسرین درباره اینگونه آیات به دست آورده اند مبتنی بر دیدگاه کلامی و تعریفشان از عصمت می باشد. این مساله راجع به پژوهش پیش رو نیز صادق است. در نتایج حاصل شده از آیات، دیدگاهی که در بخش عصمت تبیین گردیده است در نتیجه گیری از هر آیه تأثیر به سزایی دارد.

در نهایت در یک نگاه کلی می توان این آیات را به دو دسته تقسیم کرد: آیاتی که پیامبر (ص) را مخاطب خود قرار داده اند در حالی که افرادی غیر از ایشان، یعنی امت پیامبر (ص)، مورد نظرند و یا خطاب به پیامبر (ص) است اما قصد آن عتاب و نکوهش نمی باشد و بیانگر مطلبی دیگر است. هر کدام از این دو حالت می توانند بر اساس سیاق آیات نیز متفاوت باشند.

کلید واژه ها: خطابه‌های عتاب آمیز قرآن، عصمت، ترک اولی، سهو و نسیان، پیامبر (ص).

حکمت پروردگار تعالی اقتضاء می کند که پس از آفرینش بندگانش آنان را به سوی سعادت و خوشبختی رهنمون گردد تا انسانها بتوانند مسیر تکامل را طی کرده و به آن گران دست یابند. و خداوند برای بشر دو رسول باطن و ظاهر را ارزانی داشت، عقل و انبیاء الهی (ع)، رسول باطن را قرار داد تا بیندیشد و رسول ظاهر را فرستاد تا آن زمان که عقل را یارای دستیابی و نیل به فراتر از خودش را نبود، او به کمکش بشتابد.

بعثت انبیاء یکی پس از دیگری برای هدایت انسان ها به سوی کمال است و اصل هدایت عامه لازمه جهان بینی توحیدی اسلام است از این رو اصل نبوت لازمه این جهان بینی است. اراده خداوند بر این است که تمام امتهای دارای پیامبر و راهنما باشند: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ» (فاطر / ۲۴) پس برای این که امتهای راه تکامل را طی نمایند کسانی را مامور هدایتشان کرده است که قوانین آسمانی و جامع الاطراف الهی را در اختیار آنها قرار دهد.

پیامبران در عالی ترین درجه انسانیت قرار دارند و در میان همه بندگان برگزیده شده اند، زیرا صلاحیت دریافت وحی یعنی آگاهی که از جهان غیب حاصل می شود را دارا هستند. «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ» (ص / ۴۶ و ۴۷) «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (فاطر / ۳۲).

وحی الهی تأثیر شگرف و عظیمی بر روی شخصیت حامل وحی یعنی شخص پیامبر می گذارد، در حقیقت خداوند او را بدین وسیله مبعوث می کند.

انبیاء از طریق وحی با ریشه و مبدا هستی اتصال پیدا می کنند و خداوند بهتر از هر کس می داند که رسالت را در چه کسانی قرار دهد که لیاقت این مقام و جایگاه را داشته باشند: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام / ۱۲۴).

وقتی قرار است افرادی برای دریافت وحی با عالم غیب ارتباط برقرار کنند و از جانب پروردگار قانونگذار اجتماعات بشری باشند باید حداکثر مصونیت از خطا و اشتباه و فراموشی را دارا باشند همچنین قدرتی که مرغوب هیچ مقام و قدرت دیگری نشوند و از هیچ کس نترسند و در عین حال فوق العاده مهربان و دلسوز باشند. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب / ۳۹).

انبیاء الهی قبل از هر چیز باید اعتماد عموم را جلب کنند به طوری که در گفته آنها احتمال خلاف و دروغ و اشتباه ندهند. در غیر این صورت مقام رهبری آنان متزلزل خواهد شد. اگر پیامبران



معصوم نباشند بهانه جویان به عذر این که آنها اشتباه می کنند و حقیقت طلبان به خاطر عدم اعتماد نسبت به محتوای دعوت آنها از پذیرفتن دعوتشان خودداری خواهند کرد و یا لااقل نمی تواند با دلگرمی آن را پذیرا شوند. بنابراین اعتماد یکی از مهمترین دلایل عصمت انبیا است.

خداوند در قرآن کریم به اطاعت و پیروی از انبیا الهی امر فرموده و اطاعت از آنها را در راستای پیروی امر خود معرفی کرده است: « أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ » (نساء / ۵۹) « مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا » (حشر / ۷)، « مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ » (نساء / ۸۰) این آیات نشان دهنده عصمت رسولان نیز می باشند.

از طرفی انبیا مرسلین برای اثبات ارتباطشان با عالم ماوراء ماده معجزاتی عرضه می دارند که آوردن معجزه متکی بر نیروی لایزال پروردگارشان می باشد.

قرآن مجید برترین معجزه پیامبر اسلام (ص) است که با عقل و روح و فکر مردم ارتباط دارد و معجزه ای جاودان و همیشگی است و همگان را به نحوی فراخوانده است.

پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر خدا است که سلسله نبوت با او پایان می پذیرد و این از ضروریات آئین اسلام است « مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ » (احزاب / ۴۰ /

بعثت انبیاء که برای رشد و تکامل انسانهاست با بعثت خاتم رسولان محمد مصطفی (ص) به اوج کمال خود می رسد. اسلام قانون نهایی و جامع دوران بشری است و کامل ترین ادیان محسوب می گردد.

قرآن مجید صراحتاً از برتری برخی از انبیا بر بعضی دیگر حکم رانده است از جمله « تِلْكَ الرَّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ » (بقره / ۲۵۳) « وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ » (اسراء / ۵۵) و بر اساس آیات و روایات مشخص است که پیامبر (ص) اشرف آنان می باشد قرآن کریم پیامبر (ص) را «أَسْوَأَ حَسَنَةً» (احزاب / ۲۱) معرفی کرده است.

حتی خداوند از نظر ادب محاوره نسبت به پیامبر اسلام (ص) حرمتی خاص قائل است که برای انبیا پیشین قایل نبوده. خدای متعال انبیا گذشته را با نام مخصوص آنها خطاب می کند مانند «یا آدم»، «یا نوح»، «یا موسی»، «یا عیسی بن مریم» و «یا داود». اما هرگز نام مبارک پیامبر اسلام را به عنوان یا محمد نمی برد بلکه همیشه از او با تعبیرات تجلیل آمیز مانند «یا ایها النبی»، «یا ایها الرسول» یاد می کند و اگر احیاناً خطاب «یا ایها المزمّل» و «یا ایها المدثر» هست ناظر به نکته لطیف تاریخی دارد.

مهمترین عامل انحراف ملتها از گذشته تا حال عدم شناخت درست و درک واقعی جایگاه پیامبران و بزرگان دین است. گاه به آن ها ویژگی های فرا انسانی و خدا گونه می دهند یا آنان را دقیقاً مانند دیگر انسان ها فرض می کنند و وحی را تجربه دینی و حالاتی عرفانی می نامند که به خاطر

خیراندیش بودنشان سعی بر راهنمایی بشر داشته اند اما هیچ تفاوتی با دیگر انسان ها برای رسولان قائل نیستند آنچه ما درباره کتب مقدس یا قرآن کریم می دانیم تخیلات این افراد است که این سخنان و تعریف ها در مورد انبیا و پیامبران شان آنها را از انسان های عادی نیز پایین تر می آورد و آنان را انسانهایی خیال پرداز می نمایند در حالی که قرآن که کلام خداوند جهانیان است پیامبر اسلام و دیگر پیامبران را در دو بعد انسانی و نبوی معرفی کرده است. «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ» (توبه / ۱۲۸) «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ» (کهف / ۱۱۰)، این آیات و امثال آن بعد انسانی انبیاء را نمایان می کند که آنها موجوداتی عجیب و پیچیده یا جن و ملک نیستند، بلکه از جنس خود شما هستند نیاز دارند به خوردن و آشامیدن و هر آن چه دیگر انسان ها نیازمندش هستند، اما تفاوتشان با دیگر انسانها این است که با بندگی و اطاعت خدا و تفکر در آیات او به مرتبه ای رسیدند که توانسته اند خود را به عالم وراء ماده متصل کنند. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ» (کهف / ۱۱۰).

در این میان عده ای دسته ای از آیات قرآن را دستاویزی قرار می دهند تا تعریفی نادرست از هادی جامعه ارائه دهند و شرط عصمت را از او بردارند. از جمله این موارد برخی آیاتی است که پیامبر (ص) را مورد خطاب قرار داده اند.

در قرآن کریم خطابه‌های گوناگونی مشاهده می شود، مانند خطاب به جمادات، به گروه های مختلف انسان ها و به انبیا الهی.

در میان خطابه‌هایی که به نبی گرامی اسلام (ص) صورت گرفته است، برخی ظاهری عتاب آمیز دارند و پیامبر (ص) را به طور مستقیم<sup>۱</sup> مورد نکوهش قرار داده اند. خطابه‌هایی با این مضامین که: از گناهت استغفار کن<sup>۲</sup>، خدای دیگری را بخوان<sup>۳</sup>، شک مکن<sup>۴</sup>، شرک نوز<sup>۵</sup>، پیروی هواهای دیگران را نکن<sup>۶</sup>، طرفدار خائنین یا کافرین و منافقین مباش<sup>۷</sup>، فریب مخور<sup>۸</sup> و... در حالی که قریب به اتفاق فرق اسلامی قائل بر عصمت پیامبر اکرم (ص) می باشند، خصوصاً مذهب شیعه که ساحت مقدس نبی اکرم (ص) را از صور هرگونه گناه و حتی خطا و نسیان مبرا می داند که البته گاه میان آراء علماء شیعه نظرات متفاوتی در جزئیات بحث عصمت به چشم می خورد.

۱. برخی آیات قرآن که رسول خدا (ص) را مورد خطاب قرار داده اند، نکوهش یا تذکری غیر صریح در آنها نهفته است مانند آیات: انفال/ ۶۸ عبس

۱/ ضحی/ ۷.

۲. مانند: محمد/ ۱۹ و غافر/ ۵۵.

۳. مانند: یونس/ ۱۰۶، اسراء/ ۲۲ و ۲۹، شعراء/ ۲۱۳ و...

۴. مانند: یونس/ ۹۴، أنعام/ ۱۱۴، آل عمران/ ۶۰ و بقره/ ۱۴۸.

۵. مانند: یونس/ ۱۰۵.

۶. مانند: جائیه/ ۱۸ و أنعام/ ۱۵۰.

۷. مانند: احزاب/ ۱ و ۴۸ و نساء/ ۱۰۵.

۸. مانند: غافر/ ۴ و آل عمران/ ۱۹۶.

این پژوهش سعی دارد تا این آیات را از منظر مفسرین شیعه و اهل سنت مورد بررسی قرار دهد و پیش از آن از بحث‌های ادبی کمک جسته، سپس مبنای کلامی خود را نسبت به مقوله عصمت، تعریف و حد آن مشخص کرده، آنگاه بر اساس نتیجه حاصل شده به شرح آیات پردازد. زیرا دیدگاه و عقیده هر شخص یا گروهی نسبت به عصمت انبیاء (ع) و حدود آن تأثیر مستقیمی در نتیجه ای که از آیات ارائه می دهند خواهد داشت.

بنابراین پاسخ به برخی سؤالات اهمیت به سزایی دارد: مقصود از عصمت پیامبر (ص) چیست و آن را چگونه تعریف می کنیم؟ محدوده عصمت تا کجاست؟ صدور چه افعالی از جانب پیامبر (ص) جایز یا غیر جایز می باشد؟ ترک اولی، نسیان، سهو و خطا، گناه صغیره یا گناه کبیره، حد عصمت را تا کدام یک از این مراحل تعریف می کنیم؟

تفسیر مفسری که قائل به خطا و نسیان یا گناه صغیره از سوی پیامبر (ص) می باشد با کسی که تنها ترک اولی را جایز می داند و یا حتی ترک اولی را نیز جایز نمی داند بسیار متفاوت است که نتیجه اش در تفسیر هر کدام قابل مشاهده است.

خطابهای عتاب آمیز خداوند به پیامبر (ص) حدود ۸۰ آیه اند که ۴۳ مورد آن در این جا مورد بررسی قرار گرفته اند. تلاش این تحقیق بر آن بوده است که مهمترین آیات عتاب را در خود جای دهد تا این قابلیت را داشته باشد که پاسخگوی دیگر آیات مشابه باشد و آنها را در ذیل خود بگنجانند. در کنار مسایل تفسیری و کلامی، دانستن برخی مسائل می تواند نتیجه گیری صحیح تری را به دنبال داشته باشد. مانند آشنایی با: سیره رسول اکرم (ص) قواعد حاکم بر قرآن، ارتباط خداوند با رسولش در قرآن، روایات مرتبط به پیامبر (ص) شناخت دیگر انبیاء الهی در قرآن کریم.

## بخش اول

## کلیات

### معرفی مسأله

این پایان نامه که با عنوان خطابه‌های عتاب آمیز خداوند به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در قرآن می باشد بر آن است تا آیاتی را که در ظاهر، پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) را با لحنی نکوهش بار مورد خطاب قرار داده و یا با خطاب خود اینطور بر ذهن متبادر می کنند که از ایشان گناه یا خطایی سرزده است، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. این در حالی است که اکثر علماء و صاحب نظارت در میان شیعه و اهل سنت بر این باورند که انبیاء الهی خصوصاً نبی گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) دارای مقام عصمت هستند.

بنابراین باید با استفاده از آراء بزرگان و مفسرین این آیات بررسی شده و در ضمن آن از مباحث ادبی و کلامی و تاریخی یاری جسته تا شاید به خواست پروردگار مراد خداوند از نزول چنین خطابهایی روشن گردد.

### بیان اهمیت مسأله

نزد مسلمانان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن کریم هر دو از جایگاه رفیعی برخوردارند یکی رسول خداست و آن دیگری کلام خدا. غالب مسلمانان به دلایل عقلی و نقلی معتقد به عصمت حضرت می باشند. اما آیات مورد بحث در ظاهر هم با دلایل عقلی و روایی عصمت و هم برخی آیات قرآن در تعارضند که می توانند مستمسک خوبی برای برخی غیر اهل تحقیق و یا منکران و معاندان رسالت و عصمت انبیاء باشند، خصوصاً در عصر حاضر که عده ای توسط اینگونه آیات اذهان مردم را به انحراف کشانده و تصویر نادرستی از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) ایجاد می کنند، این مسأله اهمیت پیدا می کند.

از طرفی وقتی برای پیدا کردن پرسشهایمان در ارتباط با آیات عتاب به تفاسیر و ترجمه ها رجوع می کنیم متوجه ناهمگون بودن آنها می شویم و اینکه فرد پرسشگر در نهایت به پاسخ مناسبی دست نمی یابد.

تاکنون به اینگونه آیات به طور منسجم و خاص پرداخته نشده است که بررسی و نقد تفاسیر، شأن نزولها، روایات و دیگر جوانب می تواند برای یافتن منشا تعارضات ظاهری آنها با عقیده عصمت نبی اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) مفید واقع شود.

## پیشینه تحقیق

اصولا آیاتی که حامل و ایجاد کننده سؤال درباره انبیاء و مرسلین هستند در کتابهایی با عنوان تنزیه الانبیاء یا عصمه الانبیاء و مانند اینها مطرح شده اند. از جمله کتبی که توسط بزرگانی چون سید مرتضی، علامه عسکری، آیت الله معرفت و یا فخر رازی تألیف گردیده اند.

اما این کتابها مربوط به تمام انبیاء می شوند و تنها بخشی از آنها به نبی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) اختصاص دارد و هر نوع آیه ای که به نحوی ایجاد کننده سؤالی جدی درباره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد را شامل می شوند. بنابراین آیات محدودی را در بر می گیرند که در میان آنها برخی از آیات عتاب آمیز خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به چشم می خورد.

کتابی از دکتر ملاح عبد الفتاح الخالدی به نام «عتاب الرسول (ص) فی القرآن» با ترجمه علی آقا صالحی با عنوان «پیامهای عتاب آمیز قرآن به پیامبر (ص)» موجود است که یازده آیه از آیات عتاب را مورد بررسی قرار داده، نویسنده آن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از هر نوع خطا و اشتباه مصون می داند. او معتقد است خداوند توسط این آیات پیامرش را راهنمایی می کند تا او به جای خوب، بهترین را انتخاب نماید، ترک اولی نشانه خطا و اشتباه نیست بلکه عمل صحیحی است که خداوند می خواهد همین افعال نیز از ایشان سرنزد. او بر این اساس آیات را توضیح می دهد. اما نقطه افتراق اصلی آن با پژوهش پیش رو از این جهت می باشد که این کتاب بر اساس دیدگاه اهل سنت تدوین گردیده در نتیجه به شأن نزولها اطمینان نموده و بر اساس آنها به آیات پرداخته است. شأن نزولهایی که اکثرا احتیاج به بررسی دارند و چه بسا مورد تایید قرار نمی گیرند و این موجب می گردد نتایج به دست آمده از آیات متفاوت باشند.

همچنین مقاله ای در نشریه دانشگاه تهران، «مقالات و بررسی ها» (سال ۸۱، دفتر ۷۲) با عنوان «جستاری در خطابهای عتاب آمیز خداوند به پیامبر (ص)» از خانم مهین شریفی اصفهانی به چاپ رسیده است. در این مقاله فهرستی از ۷۵ آیه که به طور مستقیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مورد عتاب قرار داده اند، ارائه شده است. نویسنده ضمن بیان آراء مفسرین در تفسیر برخی از مهمترین این آیات مجموع خطابهای عتاب آمیز را به چند گروه تقسیم نموده و سپس حکمت آنها را به طور خلاصه بیان داشته است.

در برخی از پایان نامه هایی که پیرامون خطابهای قرآنی تنظیم شده اند به خطابهای عتاب آمیز خداوند نسبت به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان نوعی از خطابهای قرآن یا وجوه و چگونگی خطابات قرآن تنها در حد آشنایی، اشاره شده است.

## سؤالهای مسأله

سؤال اصلی که در مسأله خطابهای عتاب آمیز خداوند به پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) مطرح می شود این است که آیا این آیات با عصمت پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در تضادند و حضرت به خاطر گناه یا خطاهایی که انجام داده اند مورد نکوهش قرار گرفته اند؟ و در کنار آن سؤال های فرعی شکل می گیرند: مخاطب این آیات کیست؟ چه حکمتی در پس این خطابها و عتابها نهفته است؟ آیا تمامی آیات از لحاظ نوع خطاب یکسانند؟ منشا و منبع تفسیرهای ارائه شده در آیات عتاب چیست؟

## فرضیه

به نظر می رسد اینگونه آیات آنطور که ظاهرشان نشان می دهد قصد عتاب و سرزنش پیامبر را نداشته و منافاتی با مقام عصمت ندارند. شاید منشا تفاسیری که قائل به ارتکاب گناه، خطا یا فراموشی از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند، اتکا به ظاهر آیات که متشابه اند، شأن نزولها و نقلهای غیر معتبر و یا اشتباهات ادبی باشد، و البته گاه نشأت گرفته از دیدگاه عقیدتی مفسر است که پیامبر را از گناه صغره یا خطا و نسیان مبرا نمی دانند. زمانی که ظواهر برخی آیات در مقابل آیات محکمات، حکم قطعی عقل و ضرورت دین و مذهب باشد، باید بر خلاف ظاهرشان حمل گردند.

## روش تحقیق

در سیر پژوهش از آنجا که موضوع، خطابهای عتاب آمیز خداوند به پیامبرش می باشد، ابتدا باید انواع خطابها مشخص شوند تا بدانیم چند نوع خطاب در قرآن یا لعنت عرب وجود دارد. برخی کتابهای علوم قرآنی ذیل عناوینی مانند «وجوه الخطاب فی القرآن» انواع خطابها را بر شمرده اند که به نظر کافی نمی دهند و برای تکمیل آن نیاز است تا به منابع تفسیری رجوع شود و اهم خطابها از دیدگاه مفسرین جمع آوری گردند.

بخش دیگری که بررسی آن پیش از ورود به بحث آیات بایسته می نماید، حیطة ادبی و بلاغی است که باید بر حسب اطلاعات موجود نیست به آیات عتاب، صناعات ادبی مرتبط با آنها در یک بخش طرح گردند. به عنوان مثال: خداوند در آیات عتاب پیامبرش را از انجام یک سری امور نهی می کند، پس باید به بحث «نهی» پرداخته شود.

از سوی دیگر باید مشخص شود که تعریف عصمت چیست، چه دلایلی، اعم از عقلی و نقلی، برای اثبات عصمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می توان ارائه کرد، برای عصمت چه حدی قائلیم، آیا صدور سهو و نسیان را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جایز می دانیم یا خیر و دیدگاه همان نسبت به ترک اولی چیست.

در این میان طرح دیدگاه شیعه و اهل سنت الزامی است و سپس باید موضع پژوهشگر درباره عصمت مشخص گردد، زیرا نتیجه بحث عصمت مبنا و پایه ای است که آیات عتاب بر آن بنا می شوند. در قسمت بررسی آیات می توان آنها را به دو شیوه دسته بندی کرد:

۱- یا طبق نتیجه ای که از آیات به دست می آید: یعنی آیاتی که مراد از آنها امت پیامبرند نه خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، و آیاتی که قطعاً روی خطابشان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است، که هر کدام از این دو نوع به موضوعات ریزتری تقسیم می شوند.

۲- و یا طبق آنچه که در اولین نگاه از آیات به دست می آید: مانند آیاتی که خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: از مشرکین، کافرین یا منافقین نباش، غیر خدا را نپرست، شک نکن، آیاتی که پیامبر را امر به استغفار می کنند و واژه ذنب را در مورد ایشان به کار می برند و...

در پژوهش حاضر، پس از بررسی آیات و بر اساس نتیجه گیری از هر کدام آنها، از هر دو شیوه استفاده شده است اما شیوه دوم نقش اصلی را ایفا می کند. زیرا گاهی پس از بررسی و نقد اقوال و شأن نزولها و جنبه های دیگران، آیات به دو احتمال ختم می شوند که ترجیح یکی بر دیگری و مردود خواندن یکی از دو احتمال دلیلی محکم و قطعی نیاز دارد در حالی که چنین دلیلی به دست نمی آید. در نتیجه تقسیم بندی بر اساس نتایج حاصله مقدور نیست. اما در برخی موارد آیاتی که مشخصاً از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» نازل شده اند و سیاق آیات مسأله خاصی برای منعکس کردن ندارند در ذیل آیاتی طرح می شوند که پس از بررسی همین نتیجه را در بر داشته باشند.

در مسیر نقد و بررسی عتاب باید به نکاتی توجه نمود:

۱- بسیاری از تفاسیر تلاشی مستقل در جهت رفع سؤال از این آیات انجام نداده و یا از کنار آن گذشته اند و این موجب میشود تا برای رسیدن به نتایجی مطلوب زمان بسیاری صرف شده اما آنچه که مورد نظر است حاصل نگردد.

۲- غالباً تفاسیر متکی بر شأن نزولها هستند و این در حالی است که اکثر آنها اعتبارشان ثابت نشده است و در برخی مواقع عدم صحت و اعتبارشان ظاهر است در حالی که تقریباً تفاسیر بر اساس آنها آیه را شرح داده اند و دست یابی به تفسیری که ظرفتهای آیه را رعایت کرده باشد دشوار است.



اکثر شأن نزولها از لحاظ سندی دارای اشکال هستند و یا سند متصلی ندارند و بیشتر آنهایی که ذیل آیات عتاب ذکر شده اند از لحاظ محتوا قابل استناد نیستند و در برخی موارد نکاتی که در آن مشاهده می شود اطمینان را نسبت به قسمت های دیگر آنها سلب می کند.

برای اینگونه اخبار دو حالت قابل تصور است یا در حقیقت شأن نزولهایی تعریف شده و یا موضوع هستند، یا صحیح اند و باید به خواست دیگری از آنها دست یافت تا مقصود اصلی شان آشکار گردد، مانند حوادث تاریخی آن عصر، مخاطبین، معاصرین و... که خود مجال دیگری می طلبد. در نتیجه با عدم اطمینان به سند و راوی و محتوا نمی توان به آنها به دیده اعتبار نگریست.

۳- همچنین است در مورد روایات ائمه اطهار(علیه السلام) اظهار نظر درباره یک روایت آن زمانی صحیح و کامل است که تمام ابعاد آن را مد نظر قرار دهد مانند: سند، متن، احادیث، هم خانواده و مکمل، عصر صدور، شرایط زمان صدور آگاه موجب می شود روایت بر سبیل تقیه صادر شده باشد، مخاطب روایت و... تا بتوان به مقصود اصلی روایت دست یافت. چه بسا روایاتی که به ظاهر با یکدیگر در تعارضند اما می توان بین آنها جمع کرد، یا یکی از آنها را ترجیح داده و همانطور که ذکر شد در این تحقیق مجال آن نیست تا وارد بحثهای دقیق روایی شویم در نتیجه در حد وسع و امکان روایات مورد نقد قرار گرفته اند.

## مبانی تحقیق

### انواع خطاب

در کلام خداوند، قرآن کریم، که بر پیامبرش خاتم الانبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است، خطابه‌های گوناگونی وجود دارد. اهل فن وجوه این خطابه‌ها را ۱۵ و برخی ۳۰ و برخی دیگر بیش از این ذکر کرده اند. مفسران نیز در کتابهای خود طبق مقام و جایگاه سخن، خطابه‌های قرآن را بر شمرده اند.

از جمله کسانی که این وجوه را نام برده اند، زرکشی در کتاب «البرهان فی علوم القرآن» است. او خطابه‌های قرآن را این گونه دسته بندی می کند:

۱- الخطاب العام و المراد به العموم: « إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا » (یونس / ۴۴)، « إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ » (عنکبوت / ۶۲).

۲- خطاب الخاص و المراد به العموم: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ » (طلاق / ۱)، « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ » (احزاب / ۵۰).

۳- خطاب الخاص و المراد به الخصوص: « أ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ » (آل عمران / ۱۰۶)، « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ » (مائده / ۶۷).

۴- خطاب العام و المراد به الخصوص: « فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا » (عنکبوت / ۱۴)، که علما در وقوع این حالت در قرآن اختلاف دارند.

۵- خطاب الجنس: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ » (مراد جنس انسان است نه هر فرد)، « ءَأَمِنُوا كَمَا ءَأْمَنَ النَّاسُ » (بقره / ۱۳).

۶- خطاب النوع: « يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ » (منظور پسران یعقوبند).

۷- خطاب العين: « يَا دَاوُدَ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ » (بقره / ۳۵)، « يَا إِبْرَاهِيمُ ، يَا مُوسَى ، يَا عِيسَى ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ ... ». در قرآن خطاب یا محمد وجود ندارد، بلکه برای تعظیم و تجلیل، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ » و « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ » خطاب شده اند.

- ۸- خطاب المدح: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ »، « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ »، « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا » (خطاب به مردم مدینه که ایمان آوردند و مهاجرت کردند، جدای از مردم مکه)، « وَ تَوَلَّوْا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا » (نور/۳۱) (خطاب به منافقان است که تظاهر به ایمان می کنند).
- ۹- خطاب الذم: « قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ » (کافرون /۱)، « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَّا تَعْتَدِرُوا الْيَوْمَ ... » (تحریم /۷) که متضمن اهانت است.
- ۱۰- خطاب الكرامه: « ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَأَمِينِينَ » (حجر ۶۷)، « وَ يَادُمْ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ » (اعراف /۱۹).
- ۱۱- خطاب الإهانه: « فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ ... » (حجر /۳۴ و ۳۵)، « اخْسُوا فِيهَا وَ لَّا تُكَلِّمُوا » (مومنون /۱۰۸).
- ۱۲- خطاب التهكم (استهزاء مخاطب): « ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ » (دخان /۴۹)، « فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ » (انشقاق /۲۴).
- ۱۳- خطاب الجمع بلفظ الواحد: « يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ » (انشقاق /۶)، « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » (عصر /۲)، « يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ » (انفطار /۶).
- ۱۴- خطاب الواحد بلفظ الجمع: « إِنَّ عَاقِبَتَكُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ » (نحل /۱۲۶).
- ۱۵- خطاب الواحد و الجمع بلفظ الإثنين: « أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ » (ق /۲۴)، « وَ جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ » (ق /۲۱).
- ۱۶- خطاب الإثنين بلفظ الواحد: « فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى » (طه /۴۹).
- ۱۷- خطاب الجمع بعد الواحد: « أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ » (بقره /۷۵).
- ۱۸- خطاب العين و المراد غيره: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَّا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ » (احزاب /۱).
- ۱۹- خطاب الاعتبار: « قَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي » (اعراف /۷۹) (بعد از هلاکتشان مورد خطاب قرار می دهد).
- ۲۰- خطاب الشخص ثم العدول الى غيره: « ذَٰلِكَ أُذُنِي أَلَّا تَعُولُوا » (نساء /۳).
- ۲۱- خطاب التلويح: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ » (طلاق /۱).
- ۲۲- خطاب الجمادات خطاب من يعقل: « فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا » (فصلت /۱۱).
- ۲۳- خطاب التهيج: « وَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا » (مائدة /۲۳)، « فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ » (توبه /۱۳).
- ۲۴- خطاب الإغضاب: « وَ دُّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ » (نساء /۸۹).
- ۲۵- خطاب التشجيع و التحريض (که بر صفات نیکو تشویق می کند): « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا » (صف /۴).

۲۶- خطاب التنغیر: « وَ لَا یَغْتَبِ بَّعْضُکُمْ بَعْضًا أَوْ یُحِبُّ أَحَدُکُمْ أَنْ یَأْکُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مِثْمَا فَكَرِهْتُمُوهُ » (حجرات/۱۲).

۲۷- خطاب التحنن و الاستعطاف: « قُلْ یَاعِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلَیْ أَنْفُسِهِمْ » (زمر/۵۳).

۲۸- خطاب التحیب: « یَا بَنَاتِ لِمَ تَعْبُدُنَّ مَا لَا یَسْمَعُ وَ لَا یُبْصِرُ » (مریم/۴۲)، « یَبْنُوْنَ لِمَا تَأْخُذُ بِلِحْیَتِیْ وَ لَا بَرَأْسِیْ » (طه/۹۴).

۲۹- خطاب التعجیز: « فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ » (بقره/۲۳).

۳۰- التحسیر و التلهف: « قُلْ مُوتُوا بِغَیْظِکُمْ » (آل عمران/۱۱۹).

۳۱- التکذیب: « قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَتِ فَاتْلُوهَا إِنْ کُنْتُمْ صَادِقِینَ » (آل عمران/۹۳)، « قُلْ هَلْ مَسَّ شُهَدَاءُکُمْ الَّذِینَ یَشْهَدُونَ » (انعام/۱۵۰).

۳۲- خطاب التشریف: کل ما فی القرآن مخاطبه بقل، کالقلقل: « قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ » (آل عمران/۸۴) زیرا خداوند بدون واسطه امت را مورد خطاب قرار داده است.

۳۳- خطاب المعدوم: « یَا بَنَاتِیْ ءَادَمَ » (اعراف/۲۶)، « کُنْ فَاَیْکُونُ »<sup>۱</sup> (بقره/۱۱۷).

ابن قتیبه در کتاب خود «تأویل مشکل القرآن» نیز چند نوع از خطابهای قرآن را ذیل عنوان انواع مجازهایی که در آنها استعاره هست بیان نموده، مانند: «مخاطبه الواحد، مخاطبه الجمع و الجمع خطاب الواحد، و الواحد و الجمع خطاب الاثنین، و القصد بلفظ الخصوص لمعنی العموم...»<sup>۲</sup>

ابوبکر باقلانی در کتاب «اعجاز القرآن» به بررسی معجزه بودن قرآن از طریق نظم موجود در آن می پردازد و در این باب وجوه و معانی بسیاری را توضیح می دهد. به نظر وی یکی از وجوهی که در آن نظم و بلاغت قرآن مشخص می شود، انواع خطابهایی است که قرآن بر تمامی آنها اشمال دارد و نزد عربها هم رواج داشته که سعی داشتند از راندن سخن به سبک معمول عبور کرده و از انواع صناعات ادبی برای فصیح و بلیغ شدن کلامشان سودجویند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج۴، دار احیاء التراث العربی، القاہرہ، ۱۳۷۶، ج۲، ص ۳۷۴ و رک: فوال عکاوی، إنعام، المعجم المفصل فی علوم البلاغہ، دارالکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۱۳ق، صص ۵۶۲ تا ۵۶۵ و رک: خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج۲، انتشارات ناهید و دوستان، تهران، ۱۳۷۷ش، صص ۹۹۰ و ۹۹۱ و رک: سیوطی، جلال الدین، معترك الأقران، تحقیق: محمد عبدالرحیم، ج۲، دارالفکر، بیروت، ۱۴۳۳ق، ج۱، ص ۱۶۰ و رک: ابیاری ابراهیم، الموسوعه القرآنیه، ج۲، موسوعه سجل العرب، بی جا، ۱۴۰۵ ق، ج۲، صص ۲۰۰ تا ۲۰۳.

<sup>۲</sup>. دینوری ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، بی نا، بی جا، بی تا، ص ۲۲ و رجوع کنید به همین کتاب ص ۱۷۷.

<sup>۳</sup>. باقلانی، ابوبکر، اعجاز القرآن، تحقیق: السید احمد صقر، چاپ سوم، دارالمعارف، مصر، ۱۱۱۹م، ص ۴۲.